

رفتارشناسی زوجین با خویشاوندان

سیده مریم طباطبایی ندوشن*

اشاره

ازدواج، صرفاً پیوند دو فرد با یکدیگر نیست؛ بلکه پیوستگی دو خانواده با فرهنگ، شیوه‌های تربیتی و سبک متفاوت زندگی است. بنابراین، زوجین، برای بالندگی و موفقیت در ازدواج، به دو بال برای پرواز در مسیر زندگی نیازمندند. یک بال، مهارت زوجین برای ارتباط صمیمی و سازنده با یکدیگر است و بال دیگر که ارزش آن کمتر از اولی نیست و چه بسا تقویت‌کننده بال اول است، «مدیریت معاشرت با خویشاوندان هر دو طرف» می‌باشد.

متأسفانه، آنچه نگرانی‌های بسیاری را برانگیخته، زندگی ماشینی در عصر امروز است که خانواده‌های گسترده را به خانواده‌های هسته‌ای و کوچک تبدیل نموده و به مراتب ارتباطات گسترده را جایگزین ارتباطات محدود کرده است. از سوی دیگر، برخی اختلافات که ممکن است بعد از تشکیل خانواده به وجود آید، روابط زوجین را با خویشاوندان دچار مشکل می‌کند. بر این اساس، بیان

* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر حوزه خانواده.

شیوه‌های ارتباطی با خویشاوندان، می‌تواند ارتباطات سطحی را به سوی سبک زندگی اسلامی سوق دهد. در این نوشتار، رفتارشناسی شایسته زوجین با خویشاوندان را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

بایستگی‌های ارتباط زوجین با خویشان

۱. «ما شدن»، فلسفه زوجیت

پیش از ازدواج، ارتباط با خویشان غالباً با همراهی والدین صورت می‌گیرد. از این رو، فرد و بستگانش نسبت به هم احساس عاطفی پیدا می‌کنند. انتظار می‌رود که بعد از ازدواج نیز روابط فرد با بستگان، به دلیل استقلال و اختیار بیشتر، نه تنها کاهش نیابد، بلکه افزایش نیز یابد. در واقع، انتظار آن است که دختر و پسری که ازدواج می‌کنند، یک هویت جمعی دیگر را به زندگی خویش اضافه کنند و آن، «ما» است؛ چراکه فلسفه زوجیت این است که از «من بودن» به «ما شدن» برسیم و بنیان زندگی را با ستون «ما شدن» مستحکم سازیم. بنابراین، بعد از تشکیل خانواده، مسائلی مانند: فامیل من - فامیل تو، مادر من - مادر تو، مشکلات من - مشکلات تو و از این قبیل خودمحموری‌ها، در زندگی زناشویی معنا ندارد و زوجین باید بکوشند تا خودشان را از «من» به «ما» نزدیک نمایند.

۲. سفارش اسلام درباره خویشان

ارتباط با اقوام، دارای مزایای بی‌شمار فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در اسلام این پدیده تحت عنوان «صله رحم» مطرح گردیده و ضرورت آن در روایات و آیات یادآوری شده است. خداوند در قرآن طی بیست‌وسه مورد،

نسبت به اقوام و ذوی القربی سفارش نموده است.^۱ این میزان تأکید، دلیل بر اهمیّت صله رحم در پیشگاه حضرت حق است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحْمَةَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ مَاءٍ شَهِيدٍ»^۲ هرکس با جان و مال خود در راه صله رحم کوشش کند، خداوند بلندمرتبه پاداش یکصد شهید به او می دهد.»

۳. نکوهش قطع ارتباط با خویشان

قطع رحم، آن چنان مورد نفرت حق است که امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند که فرمود: «...از معاشرت و دوستی با کسی که با بستگان خود قطع رحم کرده، بپرهیز؛ زیرا چنین کسی را در سه جای کتاب خدا (بقره، آیه ۲۷؛ رعد، آیه ۲۵؛ محمد، آیه ۲۲ و ۲۳) مورد لعن و نفرین یافته ام.»^۳ از این حدیث استفاده می شود که اسلام به ما اجازه نمی دهد، به دلیل آنکه خویشی از ما یا اقوامی از همسر ما، در بازدید عید کوتاهی کرده اند، با آنها قطع ارتباط کنیم.

۴. آثار مثبت ارتباط با خویشان

در همه که اسلام به آن سفارش می کند، چنان خیر و برکتی نهفته است که گاه انسان، برای فهم کوچک ترین اثر آن، به سال ها پژوهش نیازمند است. آبرهام مزلو، روان شناس غربی، نیازی را با عنوان «نیاز به تعلق داشتن» مطرح می کند که

۱. خداوند مسئله ذوی القربی را در این سوره ها متعدد به تفصیل بیان نموده است از جمله: بقره، آیه ۸۳، ۱۸۰ و ۲۱۵؛ نساء، آیه ۷، ۳۳.

۲. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶.

۳. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ماده «رحم».

این نیاز، به روش‌های متعدد قابل پاسخگویی است؛ از طریق: روابط دوستانه با دیگران، ارتباطات اجتماعی، ارتباط خویشاوندی و ارتباط با همسر.^۱ ریشه بسیاری از مشکلاتی که دامنگیر زندگی‌های امروزه شده، عدم تعلق افراد به یک گروه عاطفی است. یکایک اعضای خانواده، با تعلق به یک گروه عاطفی که گروه خویشاوندی است، از لحاظ روانی، دستاوردهای ارزشمندی را به دست می‌آورند؛ مانند: احساس ارزشمندی و عزت نفس.

پژوهشگران دریافته‌اند که هرچه تماس‌ها و پیوندهای گروهی افراد بیشتر شود، عمر آنها طولانی‌تر خواهد شد.^۲ حدیثی از امام صادق علیه السلام نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند:

«ما، غیر از صله رحم، چیزی نمی‌شناسیم که بر عمر بیفزاید؛ تا آنجا که گاهی [باقیمانده] عمر کسی، سه سال است؛ اما زمانی که اهل صله رحم می‌شود، خداوند سی سال بر عمرش می‌افزاید و آن را سی‌وسه سال می‌کند و گاهی [باقیمانده] عمر کسی سی‌وسه سال است و قطع رحم می‌کند و خداوند سی سال از عمر او می‌کاهد و عمرش را به سه سال کاهش می‌دهد.»^۳

مطالعات نشان داده است، دیدوبازدید با اقوام و خویشاوندان، روی مغز تأثیر مثبت می‌گذارد. در یک تحقیق، روی یک گروه از افراد بعد از دیدار با اعضای خانواده و بر گروه دیگر بعد از تماشای عکس‌ها و تصاویر اقوام، دوستان و غریبه‌ها، ام.آر.آی انجام دادند دریافتند که دیدوبازدید با نزدیکان، - بیشتر از همه - مغز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد... و ایجاد انگیزه و نشاط می‌کند.^۴

۱. دوآن شولتز و سیدنی آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ص ۳۴۴.

2. www.irannaz.com.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

4. www.irannaz.com.

به این تأثیرات روانی، باید آثار مثبت ارتباط با اقوام بر فرزندان را نیز بیفزاییم؛ بچه‌هایی که با فامیل رفت‌وآمد می‌کنند، اجتماعی می‌شوند. تحقیقی که در سطح شهر اصفهان انجام شده، نشان می‌دهد که روابط خویشاوندی سازنده، تأثیر مثبت و معناداری بر سلامت روانی «جوانان» دارد و دختران و پسرانی که روابط فامیلی بیشتری را تجربه می‌کنند، از نظر: هوش اجتماعی، پابندی به آداب جامعه، مشارکت در فعالیت‌های جمعی، اجتناب از مواد مخدر و جرایم دیگر، در سطح بالاتری قرار دارند.^۱

اصول ارتباط زوجین با خویشاوندان

۱. احترام

بیشترین و شاید تنها چیزی که خانواده همسر از عروس و دامادشان می‌خواهند، «احترام» است. احترام، یعنی رعایت آداب اجتماعی در مورد پدر و مادری که سال‌ها همسر ما را با جان و دل پرورش داده‌اند. امام علی علیه السلام فرمود: «يُكْرَمُ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَالْكَبِيرُ لِسِنِّهِ»^۲ دانشمند را به جهت علمش، و بزرگسال را به دلیل سنّ او، باید احترام کرد. امام علی علیه السلام، ضمن انتقاد از ناهنجاری‌های رفتاری مردم، بر این دو مسئله تأکید می‌نماید: «لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَلَا يَعُولُ غَنِيُّهُمْ فَقِيرُهُمْ»^۳ در زمانه‌ای که سر می‌برید که کوچک‌تر، بزرگ‌تر را گرامی نمی‌دارد و ثروتمند، به فقیر رسیدگی نمی‌کند.»

احترام، به معنای منفعل بودن و غلام حلقه‌به‌گوش بودن نیست؛ احترام، یعنی مثلاً هنگام وارد شدن به مکانی، جلوتر از پدر و مادر همسر، وارد نشویم و یا با

۱. برگرفته از: مجله علمی پژوهشی تحقیقات نظام سلامت، دوره ۷، ش ۳، ۱۳۹۰ش.

۲. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۹.

نرم‌ترین زبان با آنها سخن گفته، از طعنه و کنایه در گفتار استفاده نکنیم. نکته دیگر اینکه رعایت آداب اجتماعی در مورد پدر و مادر همسر، باید همیشگی باشد و نباید به بهانه گذشت سال‌ها از زمان ازدواج و خودمانی‌شدن، کم‌رنگ شود. بدانیم که احترام به والدین همسر در حضور دیگران، به ویژه اقوامشان، برای آنها حلاوت و شیرینی ارزشمندی دارد. عروسی که در جمع، با ادب و با لحن خوشایند با مادرشوهر سخن می‌گوید، مؤدب‌بودن شخصیت خویش و محترم‌بودن مادرشوهر را به همگان نشان می‌دهد.

فرق مابین بنی‌آدم و حیوان ادب است

راحت روح زنان، زینت مردان، ادب است

۲. مدیریت وابستگی به خانواده

گاه یکی از زوجین، آن‌قدر به خانواده خویش وابسته است که حریم خصوصی زندگی مشترک را فراموش می‌کند؛ مثلاً گاهی زن هنگام حضور در کنار همسر، مشغول مکالمات تلفنی طولانی مدت با خانواده خود می‌شود و گزارش روزمره و لحظه‌به‌لحظه زندگی خویش را با خانواده‌اش در میان می‌گذارد. اگر موضوع صحبت‌های، چیزی فراتر از بازگوکردن مسائل ضروری باشد، باعث می‌شود پای دیگران به حریم خصوصی زندگی باز گردد و همسر نیز فکر کند که در تصمیم‌گیری‌های زندگی مشترکش، همیشه ردّ پایی از افکار خانواده همسرش وجود دارد. این اتفاق، در خانم‌ها بیشتر وجود دارد و باعث بدبینی مرد به خانواده همسر می‌شود؛ البته همیشه جوانان مقصر نیستند و گاهی برخی پدرها و مادرها به دلیل کم‌تعداد بودن فرزندان، وابستگی زیادی به آنها دارند و نگرانی را بهانه ارتباط افراطی خود مطرح می‌کنند.

۳. مدیریت انتظارات

بعضی از زوجین، از خانواده همسر انتظارات بیش از حدی دارند؛ انتظاراتی مثل: چرا مادرزن از فرزند ما مراقبت نمی‌کند، چرا سوغات سفر مادرشوهر ناچیز بوده، چرا پدر همسر به فکر وضعیت مالی ما نیست و مسائلی از این نوع. توقع داشتن، یعنی توجه ما تنها معطوف به نیازهای خودمان است؛ بدون اینکه توجهی به احساس و خواسته طرف مقابل داشته باشیم. بدیهی است که هرچه توقع ما از دیگران کمتر باشد، آرامش روحی بیشتری داریم و رنجش ما از دیگران نیز کاهش می‌یابد. از قدیم گفته‌اند: «اگر انتظار و توقعی نداشته باشی، همه آدم‌ها را دوست خواهی داشت.»

۴. گذشت از دلخوری‌ها

گاه زوجین با یک تنش در روابطشان با اقوام یکدیگر، پس از سال‌ها زندگی، خاطرات ناخوشایند بله‌برون و سفره عقد را که در آن باعث دلخوری از فرد خطاکار شده، پیش می‌کشند؛ غافل از آنکه دلخوری کهنه، تبدیل به کینه‌ای تازه می‌شود و کینه نیز باعث سردی ارتباط است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا أَصْغَرُ وَأَحَقُّ وَأَنْزَرُ مِنْ أَنْ تُطَاعَ فِيهَا الْحِقَاذُ»^۱ دنیا، کوچک‌تر، حقیرتر و ناچیزتر از آن است که در آن از کینه‌ها پیروی شود.»

ناگفته پیداست که بخشی از کینه‌جویی‌ها با اقوام همسر که گاه در روابط مادرشوهر و عروس یا مادرزن و داماد مشهود است، ناشی از پیش‌داوری زوجین درباره رابطه «داماد و مادرزن» یا «عروس و مادرشوهر» قبل از ازدواج است که آن هم متأثر از خانواده و دوستانی است که ذهنیت منفی درباره اعضای خانواده

۱. همان، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۸۰۴.

همسر دارند و همین کلیشه‌های ذهنی، مانع صمیمیت آنها با خانواده همسر می‌شود.

کینه‌داشتن نسبت به اقوام، باعث دوستی با بیگانگان می‌شود؛ درحالی‌که به تجربه ثابت شده، بیشتر دوستان هنگام گرفتاری، انسان را رها می‌کنند و تنها همان خویشان به یاری‌اش می‌شتابند؛ زیرا پیوند خویشی، پیوندی طبیعی است که به‌آسانی بریده نمی‌شود. در مثل‌های عامیانه گفته شده: «اقوام و خویشان، اگر گوشت انسان را بخورند، استخوانش را دور نمی‌ریزند.»^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: انسان هیچ‌گاه از خویشانش بی‌نیاز نمی‌شود. اگرچه مال و اولاد داشته باشد، به ملاحظت و احترام آنان احتیاج دارد. آنها هستند که با دست و زبان از او حمایت می‌کنند و به هنگام گرفتاری، زودتر از دیگران به یاری‌اش می‌شتابند.^۲

۵. رعایت اعتدال در رفت‌وآمدها

رعایت عدالت و انصاف، در میزان ارتباط با خانواده‌ها و فامیل هر دو طرف، موضوع مهمی است. بعضی از زوجین خودخواه، خود و فامیلشان را تافته جدابافته‌ای می‌دانند که ارزش صمیمیت و برقراری ارتباط و معاشرت را دارند و در مقابل، اقوام همسر را در سطح پایین‌تری می‌بینند و ارتباط با آنها را خسته‌کننده ارزیابی می‌کنند؛ مثلاً بعضی از خانم‌ها هر روز به منزل پدری می‌روند و در طول هفته به دایی، خاله، عمه یا عموی خودشان سر می‌زنند؛ اما در رفت‌وآمد با خانواده همسر، همچون غریبه برخورد می‌نمایند و حتی از احوالپرسی تلفنی با خانواده همسر نیز امتناع می‌ورزند. بدیهی است که همسران

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۲۱۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۱.

این افراد، دوگانگی در رفتار این افراد را به پای خودخواهی آنها می‌گذارند و سعی در کنش متقابل و دوری از خانواده همسر دارند. این عامل، ریشه بسیاری از اختلافات زوجین و ارتباطات کم‌رنگ با خانواده همسر است.

گاهی نیز بدون آنکه عمدی در کار باشد، رفت‌وآمد با اقوام یکی از زوجین بیشتر می‌شود و این شاید به دلیل خون‌گرمی بیشتر یا برنامه‌ریزی بهتر اقوام برای دور هم بودن باشد. بنابراین، در مورد فامیلی که در این زمینه کاهل هستند، زوجین جوان باید خودشان برنامه‌ریزی را به عهده بگیرند و برای جمع کردن بستگان پیش‌قدم شوند. تماس با خانواده‌های فامیل و دعوت آنها برای حضور در یک فضای سبز با شام ساده خودشان، کار دشواری نیست و بعید است این کار اندک، از عهده کسی بر نیاید.

۶. استفاده از راهنمایی و مشاوره با خویشاوندان

هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که از مشورت کردن بی‌نیاز است؛ مگر افراد مغرور، خودم‌محور و خودرأی. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ؛^۱ هرکس خود را از رأی و نظر دیگران بی‌نیاز بداند، خویشتن را به خطر انداخته است.»

زوجین موفق، مشورت را پشتیبان خود می‌دانند و بی‌گدار به آب نمی‌زنند. این افراد شماتت دیگران را کمتر می‌شنوند و انرژی، وقت و هزینه خویش را تلف نمی‌کنند؛ چون از تجربه دیگران بهترین استفاده را می‌برند. مشورت‌خواستن از اقوام همسر، نوعی احترام و بزرگداشت آنهاست و البته گاهی مشورت‌خواستن، تجویزی برای پایان‌دادن به حسادت دیگران نیز هست.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۸، ح ۵۸۳۴.

گاهی اوقات، زوجین از حسادت یکی از اقوام نسبت به خویش‌گلایه دارند؛ مثلاً عروس از حسادت خواهرشوهر یا جاری گله‌مند است. بهترین روش برای کاهش حسادت دیگران، استفاده از مشورت و راهنمایی آنهاست. بدین وسیله، فرد حسود، خود را در موفقیت فرد شریک دانسته، بخشی از پیروزی وی را به خود نسبت می‌دهد و چه بسا همه تلاش خویش را برای موفق شدن او به‌کارگیرد.

۷. چگونگی برخورد با دخالت‌های خویشاوندان

دخالت، با دلسوزی و مشورت فرق دارد. کسی که در زندگی زوجین دخالت می‌کند، کفایت آنها را نادیده گرفته، سعی دارد در هر مورد ریز و درشتی، نظر خود را اعمال نماید و اگر جز به نظر او رفتار کنند، آنها را سرزنش خواهد کرد. «اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران درباره طلاق، این حقیقت را منعکس کرده‌اند که دخالت دیگران، مانند: اقوام، آشنایان و والدین، موجب شعله‌ور شدن اختلافات زنان و شوهران می‌شود که در بعضی از موارد، به طلاق منجر می‌شود.»^۱ بر اساس آمار، «۵۰ تا ۶۰ درصد طلاق‌ها، به علت دخالت خانواده‌ها اتفاق می‌افتد.»^۲

شخصی می‌گوید: «تا حال سه مرتبه مادرزنم ما را تا آستانه طلاق برده. مثل عقرب نیش می‌زند، به دخترش یاد می‌دهد که به من بی‌احترامی کند، به کارهای منزل نرسد و توقعات بیجا داشته باشد. هر وقت به خانه ما می‌آید، تا یک هفته منزل ما به جهنم بدل می‌شود. برای همین، چشم دیدنش را ندارم.»^۳

۱. مقاله «آسیب‌شناسی خانواده»، «تاریخ دسترسی در: ۱۳۹۵/۵/۱۲»، پایگاه اینترنتی تبیان،

نشانی: www.tebyan.net

۲. پایگاه اینترنتی آفتاب، نشانی: www.aftabir.com

۳. اطلاعات هفتگی، ش ۱۶۴۶.

اگر کسی درباره مسائل زوجین اظهارنظر و دخالتی کرد، مصلحت نیست که آشکارا به آنها گفته شود که شما دخالت می‌کنید؛ بلکه شایسته است زوجین با حفظ استقلال خود، به رهنمودهای آنها با نظر مثبت توجه نمایند تا با آرامش لازم فرصت انتخاب صحیح را برای خود فراهم نمایند. در چنین مواردی، باید خیلی سنجیده و حساب‌شده با دخالت والدین برخورد کرد و از مواجهه مستقیم با آنها، جداً پرهیز نمود؛ مثلاً اگر پیشنهادی دارند که زوجین آن را نمی‌پسندند، نباید همان اول با آن مخالفت کنند؛ بلکه بایسته است که به پیشنهاد آنها خوب گوش کرده، بعد از مدتی، آن پیشنهاد را اصلاح نمایند و به والدین بگویند: آیا اگر ما این‌گونه عمل کنیم، بهتر نیست؟ چه بسا وقتی پیشنهاد زوجین را کارآمدتر ببینند، بگویند که این راه، بهتر و صحیح‌تر است. در بعضی موارد نیز بهتر است زوجین تسلیم حرف والدین خود شوند و با قصد قربت و به جهت احترام به آنها، به پیشنهادشان عمل کنند؛ چه بسا خداوند به دلیل احترام فرزندان به والدین خود، برکتی در کار و زندگی آنها به وجود آورد.

۸. حفظ اسرار خویشاوندان

بزرگی هرکس به اندازه اسراری است که در دل دارد. دختر و پسری که به‌عنوان عروس و داماد عضو یک خانواده می‌شوند، در جریان بسیاری از مناسبات، مشکلات و اختلافات درون خانواده قرار می‌گیرند. بنابراین، باید همچون فرزندان آن خانواده، آمین و حافظ اسرارشان باشند. متأسفانه، بعضی از زوجین، همچون «ستون پنجم» و «خبرچین» عمل می‌کنند و کوچک‌ترین اتفاق خانواده همسر را با هیجانی خاص، به خانواده خود یا اقوام گزارش می‌دهند. این مسئله در ازدواج‌های فامیلی، مشکلات بسیاری را ایجاد نموده، باعث عدم اعتماد نسبت به فرد خطاکار می‌شود. حتی اگر راز و سرّ خاصی در

خانواده همسر نباشد، اینکه آنها بر سفره چه غذایی می‌گذارند، چه وسایلی می‌خرند، با چه کسانی اختلاف یا اتحاد دارند، روابط برادران همسر با زنانشان یا خواهران همسر با شوهرانشان چگونه است، همه اینها به‌مثابه رازی است که زوجین از آن آگاهی دارند و مسلماً فاش‌ساختن آنها هیچ نفعی برای زوجین ندارد؛ جز آنکه مشکلات دنیوی و عذاب اخروی را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پندهای خویش به ابوذر چنین فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَافْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛^۱ جلسات خصوصی، امانت است و افشای سرِّ برادر مؤمن، خیانت می‌باشد. پس، از آن پرهیز.»

شیخ صدوق از عایشه روایت می‌کند: روزی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به محضر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و پنهانی با ایشان گفت‌وگو کرد. وقتی درباره مضمون گفت‌وگویش با پیامبر از او پرسیدم، فرمود: «مَا كُنْتُ لِأَفْشَى سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ من راز رسول خدا را افشا نخواهم کرد.»

حدیث دوست‌نگویم مگر به حضرت دوست

که آشنا سخن آشنا نگه دارد

۹. حفظ اسرار خانواده

زوجین باید بدانند که هر خانواده، رازهای خودش را دارد و برملاشدن این رازها، هم استقلال خانواده را زیر سؤال می‌برد و هم راه را برای دخالت دیگران باز می‌کند؛ مثلاً در صورت اختلاف زوجین، باید از در میان گذاشتن آن با خویشاوندان پرهیز شود؛ زیرا این اختلافات به‌زودی حل خواهند شد و زوجین آن را فراموش می‌کنند؛ اما چیزی که می‌ماند، دید منفی خانواده و خویشان

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۹.

۲. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۹۵.

نسبت به رفتارهای شما و همسرتان است. پدرها و مادرها نسبت به ناراحتی‌های فرزندان خویش بسیار حساس‌اند و کسی را که باعث آزار فرزندان شده، به‌سختی می‌بخشند. در میان گذاشتن مسائل زناشویی با یک مشاور متخصص، بهترین اقدام در زمینه حلّ اختلاف‌های خانوادگی است. بنابراین، رفتار عاقلانه این است که هریک از زوجین، اسرار زندگی‌شان را حفظ نمایند تا از مشکلات احتمالی مصونیت یابند؛ امام علی علیه السلام فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ»^۱ سینه عاقل، صندوق سِرّ اوست.»

به غیر از موارد اختلافی، در سایر مسائل نیز زوجین باید توافق کنند که چه چیزهایی را نباید به خانواده خودشان بگویند. گفتنی است، در بعضی از مسائل، نظیر: بیماری، اعتیاد و مسائل حاد که حلّ آن از عهده زوجین خارج است، آگاه‌ساختن خانواده‌ها کاری عقلانی و منطقی می‌باشد.

۱۰. کنار گذاشتن تجملات و رسوم تکلف‌آور

یکی از بدترین آفات روابط فامیلی، رسم‌هایی است که ما را گرفتار تکلفات و مشقات زیاد می‌کند؛ مثلاً بعضی خانواده‌ها هیچ‌گاه دو مرتبه پشت سر هم به خانه یکی از اقوام نمی‌روند و می‌گویند: تا آنها به منزل ما نیایند و بازدید ما را پس ندهند، دوباره به منزل آنها نمی‌رویم! بدیهی است، در این صورت، اگر خانواده‌ای که منتظرشان هستیم، گرفتار و بیمار باشند و نتوانند صله را جبران کنند، دیدار مجدد این فامیل با تأخیری طولانی همراه خواهد بود.

رسوم دست‌وپاگیر، گاهی منجر به ایجاد توقعات و دلخوری‌های بیهوده می‌شود. خانم جوانی می‌گفت: «مادر من، اهل به‌رخ‌کشیدن موقعیت فرزندان به فامیل است و هر وقت می‌خواهم فامیل درجه یک خودم را به منزل

۱. محمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۴.

دعوت کنم، مادرم تماس می‌گیرد و از برنامه ما برای شام می‌پرسد و اگر بگویم مثلاً قرمه‌سبزی آماده می‌کنم، می‌گوید: آبروریزی نکن و کباب و جوجه از بیرون تهیه کن! همین موضوع، باعث شده من و همسرم به دلیل هزینه‌های زیاد، رغبتی به مهمانی دادن نداشته باشیم.»

نتیجه‌گیری

ناگفته پیداست که زنان با به‌کارگیری زبان احساسی و نرم، در ترغیب شوهر به اجرای اوامر الهی، به‌ویژه در حُسن ارتباط با فامیل هر دو طرف، نقش قابل ملاحظه‌ای دارند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»^۱ بیشترین خیر و برکت، در زنان است.»

زنان مؤمن، زنانی هستند که احساس مسئولیت و ایمان به قیامت دارند. د و در اجرای اوامر الهی، با همسر خویش توافق دارند و اگر ببینند شوهرشان نسبت به اقوام هر دو طرف کوتاهی نموده و از کمک به آنها دریغ می‌ورزد، او را به حُسن ارتباط و کمک به دیگران ترغیب می‌کنند؛ اما زنانی که برخلاف خواسته حق و بر محور «خود» در حرکت‌اند یا با توقعات بیجای خود، مانع صلّه رحم می‌شوند، خداوند چنین کسانی را دشمن انسان قلمداد کرده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَعَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندانان، دشمنان شما هستند. از آنها برحذر باشید و اگر عفو کنید و چشم پبوشید و ببخشید، [خدا نیز شما را می‌بخشد؛] چراکه خداوند بخشنده و مهربان است.»

۱. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۳۵۲.

۲. تغان، آیه ۱۴.